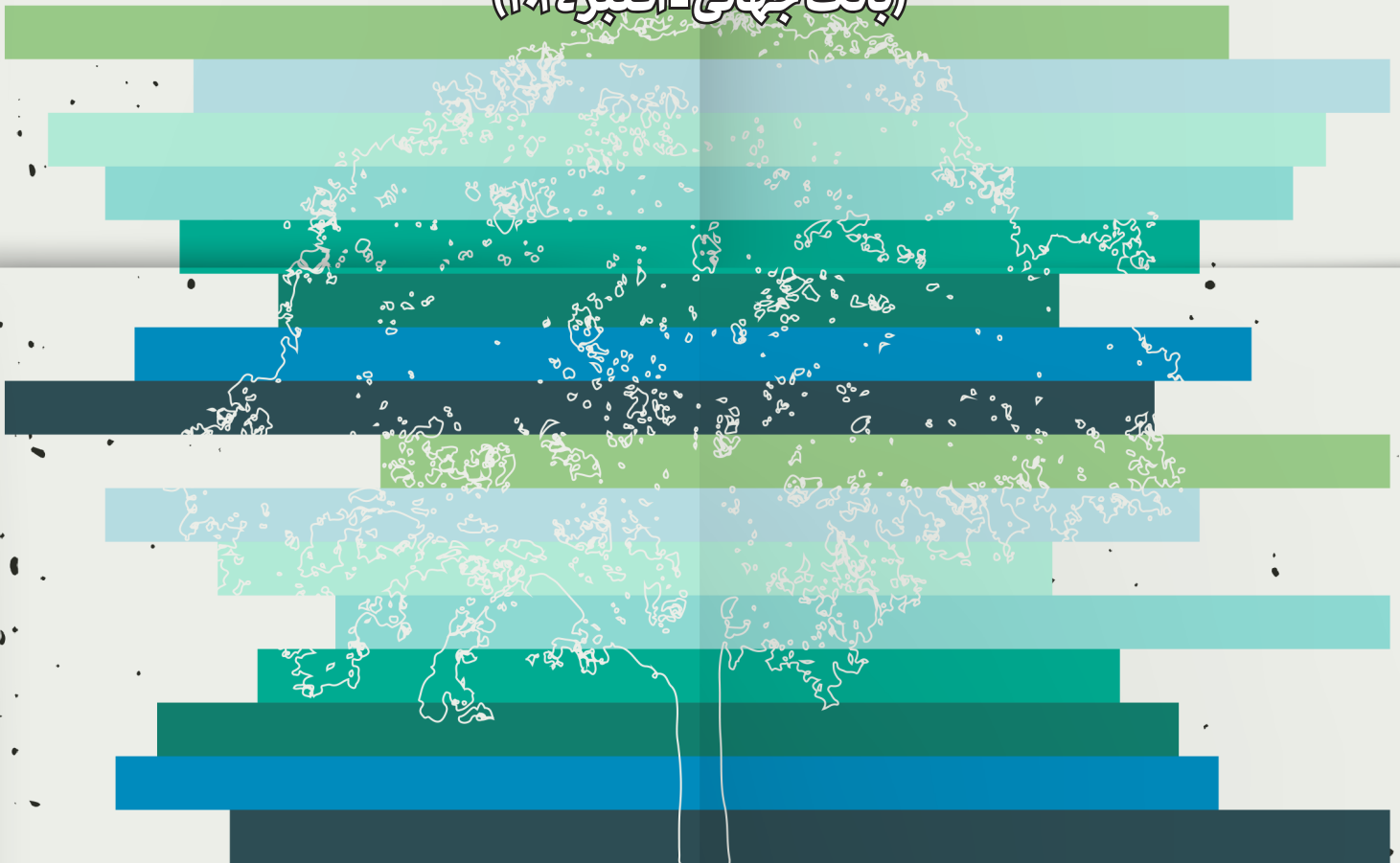




مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

جنگ غزه و رشد اقتصادی در خاورمیانه و شمال آفریقا

(بانک جهانی - اکتبر ۲۰۲۳)



شناسنامه گزارش



مركز پژوهش های اتاق ایران

عنوان:

جنگ غزه و رشد اقتصادی در خاورمیانه و شمال آفریقا
(بانک جهانی - اکتبر ۲۰۲۴)

مدیریت دیپلماسی اقتصادی و آینده پژوهی

تاریخ انتشار: آذر ۱۴۰۳

واژه‌های کلیدی: جنگ غزه، رشد اقتصادی، خاورمیانه و شمال آفریقا، بانک جهانی، درآمد سرانه

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۵	رشد (اقتصادی) آسیب پذیر
۶	عواقب اقتصادی جنگ غزه
۶	سایه طولانی جنگ غزه بر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا
۷	چشم انداز منطقه‌ای مرفه‌تر
۸	پیش‌بینی‌های رشد و روندهای کلان اقتصادی در منطقه منا
۱۱	افزایش نگران کننده فقر در منطقه منا
۱۲	تورم در منطقه منا
۱۵	جمع بندی

مقدمه

اقتصاد کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) در حال نزدیک شدن به سایر کشورها در جهان نیست. متوسط درآمد سرانه این منطقه در ۵۰ سال گذشته تنها ۶۲ درصد افزایش یافته است. در مقایسه، طی همین دوره، افزایش درآمد اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه چهار برابر و اقتصادهای پیشرفته دو برابر بوده است. تنها تعداد کمی از اقتصادهای خاورمیانه و شمال آفریقا به استاندارد زندگی کشورهای ثروتمند نزدیک شده‌اند.

این گزارش به بررسی اقتصاد منطقه (منا) و موضوع رشد اقتصادی از هر دو دیدگاه کوتاه‌مدت و بلند مدت تمرکز دارد. اول، خلاصه‌ای از روندهای اقتصادی اخیر منطقه ارائه می‌دهد، از جمله به‌روزرسانی تأثیر جنگ غزه بر منطقه و اقتصاد جهانی. سپس گزارش به تحلیل عواملی می‌پردازد که پتانسیل رشد بلندمدتِ منا را شکل می‌دهند و تأکید ویژه‌ای بر اثرات پایدار درگیری دارد. نتایج روشن است: صلح پیش‌نیاز توسعه اقتصادی است، زیرا درگیری می‌تواند توسعه را دهه‌ها معکوس کند و برای چندین نسل به تأخیر اندازد. خبر خوب این است که منطقه می‌تواند با تخصیص بهتر استعدادها در بازار کار، بهره‌برداری از موقعیت استراتژیک خود و ترویج نوآوری، به طرز چشمگیری رشد را افزایش دهد. پایان دادن شکاف جنسیتی اشتغال، بازنگری در نقش و جایگاه بخش دولتی (عمومی) و تسهیل در انتقال فناوری از طریق تجارت و شفافیت می‌تواند به منطقه کمک کند تا رشد پرشتابی را تجربه کند. فرصت‌های رشد همچنان پیش روی منا گشوده است.

رشد (اقتصادی) آسیب‌پذیر

پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال ۲۰۲۴، رشد تولید ناخالص داخلی واقعی در منطقه منا به ۲,۲ درصد برسد که افزایش ملایمی از ۱,۸ درصد در سال ۲۰۲۳ خواهد داشت. این رشد عمدتاً ناشی از عملکرد اقتصادی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است که افزایش رشدی از ۰,۵ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۱,۹ درصد در سال ۲۰۲۴ را تجربه کرده‌اند. در مقابل، رشد کشورهای در حال توسعه که واردکننده نفت هستند، رشد از ۳,۲ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۲,۱ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش خواهد یافت، زیرا پیامدهای درگیری‌های جاری مستقیماً بر برخی کشورها تأثیر می‌گذارد و آسیب‌پذیری‌های موجود در کشورهای دیگر را تشدید می‌کند. رشد تولید ناخالص داخلی واقعی در کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت منطقه نیز از ۳,۲ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۲,۷ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش خواهد یافت.

در سال گذشته، پیش‌بینی‌های رشد تولید ناخالص داخلی واقعی منطقه منا برای سال ۲۰۲۴ به مقدار قابل توجهی کاهش یافته است، به‌ویژه در شرایط آسیب‌پذیر و تأثیرپذیر از درگیری‌های درون منطقه. این

کاهش‌ها بخشی از تمديد کاهش توليد نفت اوپک، بعلاوهٔ افزايش عدم اطمینان ناشی از درگیری متمرکز در غزه را منعکس می‌کند. از سپتامبر ۲۰۲۴، عدم اطمینان به ثبات اقتصادی در کشورهای با درآمد بالا در منطقه منّا تقریباً دو برابر بیشتر از سایر کشورهای در حال توسعه است.

عواقب اقتصادی جنگ غزه

در شرایطی که بحران انسانی عمیق‌تر می‌شود، اقتصاد غزه تقریباً به طور کامل متوقف شده است و در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۴ افت ۸۶ درصدی را تجربه کرده است. در کرانه باختری، اقتصاد نیز در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۴ به میزان ۲۳ درصد کاهش یافته که عمدتاً به دلیل اعمال محدودیت‌های شدید دولت اسرائیل بر انجام معاملات تجاری این منطقه با بیرون است. بحران شدید مالی در این دو منطقه مشهود است. یکی دیگر از مهم‌ترین دلایل افت شرایط اقتصادی، افزایش محدودیت‌هایی است که اسرائیل بر انتقال درآمدهای مالیاتی و وجوه نقد به داخل مناطق فلسطینی ایجاد نموده است. تشکیلات خودگردان فلسطین با شکاف تأمین مالی پیش‌بینی نشده‌ای به میزان ۱٫۸۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ روبرو است که به گفته منابع رسمی این سازمان، بیش از دو برابر سال ۲۰۲۳ است.

درگیری در منطقه خاورمیانه، فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای همسایه را نیز متاثر کرده است. به عنوان مثال، کاهش ۶۶ درصدی ورود گردشگران به اردن تا اوت ۲۰۲۴، و یا کاهش ۶۲ درصدی درآمدهای مصر از کانال سوئز نسبت به نیمه دوم سال ۲۰۲۲. از سوی دیگر، تشدید درگیری در لبنان باعث افزایش تلفات انسانی و اقتصادی شده است. میزان کامل تأثیر این منازعات بر لبنان و منطقه به مسیر آینده درگیری بستگی خواهد داشت.

در سطح جهانی، بازارهای انرژی و مالی تا کنون انعطاف‌پذیری نشان داده‌اند. با وجود برخی نوسانات زود هنگام و کوتاه‌مدت، قیمت‌های نفت بصورت نقد و پرداخت آتی از اکتبر ۲۰۲۳ به‌طور قابل توجهی کاهش یافت. این در حالی است که عرضه آن و نگرانی‌ها درباره تقاضای نفت همچنان وجود دارد. اختلالات در حمل و نقل دریایی، به ویژه از طریق کانال سوئز، زمان و هزینه حمل و نقل را افزایش داده است. به نحوی که نرخ‌های حمل و نقل در اوت ۲۰۲۴ نسبت به نوامبر ۲۰۲۳ چهار تا پنج برابر افزایش یافته است.

سایه طولانی جنگ غزه بر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

جنگ غزه روند گسترده‌تری از افزایش خشونت در منطقه را برجسته می‌کند. از سال ۱۹۹۰، درگیری‌ها بیش از دو برابر افزایش یافته و سهم منطقه منّا از تلفات جهانی شش برابر شده است. هزینه‌های درگیری فراتر از چیزهایی است که شاخص‌های اقتصادی رایج بتواند اندازه‌گیری کنند. با این حال، درگیری‌ها

قطعاً منجر به خسارات اقتصادی فوری می‌شوند و می‌توانند تأثیرات منفی بلندمدت بر توسعه منطقه داشته باشند. این پیامدها ناشی از اتلاف سرمایه انسانی، جابجایی اجباری، تخریب زیرساخت‌های فیزیکی و اشکال مختلف هرج و مرج اقتصادی، از جمله اختلالات زنجیره تأمین است. تحلیل مبتنی بر روش استفاده از هوش مصنوعی در این گزارش نشان می‌دهد که درآمد سرانه در کشورهای درگیر در منطقه منما می‌تواند به طور متوسط منفی ۴۵ درصد بیشتر از حالت بدون درگیری بوده باشد، این خسارت ناشی از جنگ معادل از بین رفتن پیشرفت ۳۵ ساله در منطقه است.

چشم‌انداز منطقه‌ای مرفه‌تر

با وجود چالش‌های کنونی در منطقه، پتانسیل قابل توجهی در خاورمیانه و شمال آفریقا وجود دارد که هنوز به طور کامل مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. کشورها می‌توانند استعدادهای خود را در بازار کار به نحو بهتری تخصیص دهند و از موقعیت استراتژیک خود برای افزایش نوآوری و حفظ رشد استفاده کنند. تخصیص نادرست ظرفیتهای نیروی کار، هم در داخل و هم خارج و بین بخش‌های عمومی و خصوصی، به استانداردهای زندگی در این منطقه آسیب رسانده است. در ۵۰ سال گذشته، آموزش به ویژه برای زنان، در خاورمیانه و شمال آفریقا به سرعت افزایش یافته است، اما نرخ مشارکت زنان در نیروی کار ثابت مانده است. کاهش شکاف‌های جنسیتی اشتغال در منما می‌تواند منجر به افزایش ۵۱ درصدی درآمد سرانه در کشورهای این منطقه شود.

علاوه بر این، اشتغال در بخش عمومی منطقه منما باعث کاهش اشتغال در بخش خصوصی می‌شود، به ویژه برای زنان. زمانی که زنان در بازار کار شرکت می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که در بخش عمومی اشتغال داشته باشند. سهم اشتغال زنان در بخش عمومی منطقه منما با ۳۷ درصد، و تقریباً دو برابر اروپا و آسیای مرکزی، است.

علاوه بر این، ممکن است بخش عمومی استعدادهای زیادی را از بخش خصوصی جذب کند، بدون اینکه به بهبود کالاها و خدمات عمومی منجر شود. انتقال استعدادهای به سمت بخش خصوصی می‌تواند منجر به افزایش قابل توجهی در بهره‌وری کل شود، که این افزایش از ۵ تا ۹ درصد در ایران، تونس، مصر و اردن است.

دستاوردهای ناشی از اصلاحات اقتصادی می‌تواند به سرعت محقق شود. به عنوان مثال، از سال ۲۰۱۶، عربستان سعودی مشکلاتی که مانع از شرکت زنان در تمام مشاغل، رانندگی و دسترسی به مرخصی زایمان بود را حذف کرد. این تغییرات توسط برنامه‌هایی که فرصت‌های شغلی زنان را افزایش می‌دادند، مانند خدمات شغلی، آموزش و مراقبت از کودکان، حمایت شد. آنها همچنین یک محیط تنظیمی مناسب برای

ورود زنان به بازار کار ایجاد کردند. این اصلاحات احتمالاً به افزایش مشارکت زنان در نیروی کار کمک کرده است، که از ۲۲ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۳۵ درصد در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته است.

در نهایت، برای ترویج افزایش بهره‌وری بیشتر، کشورهای مِنا می‌توانند از موقعیت جغرافیایی خود برای دسترسی به دانش و فناوری پیشرفته از طریق افزایش تجارت بین‌المللی استفاده کنند. دانش تولید شده در این منطقه در حال حاضر از نظر تاثیر و نوآوری عقب است. تجارت بین‌المللی و انتقال فناوری و دانش همراه آن، می‌تواند به عنوان اهرمی برای افزایش بهره‌وری کل عمل کند. بهبود کیفیت داده‌ها و شفافیت در این منطقه می‌تواند به حذف موانع در برابر گسترش فناوری کمک کرده و گردش ایده‌ها را بیشتر و بهتر تسهیل کند. منطقه مِنا راه زیادی در پیش دارد، اما همچنین پنجره‌های بزرگی از فرصت‌ها پیش روی آن گشوده است.

پیش‌بینی‌های رشد و روندهای کلان اقتصادی در منطقه مِنا

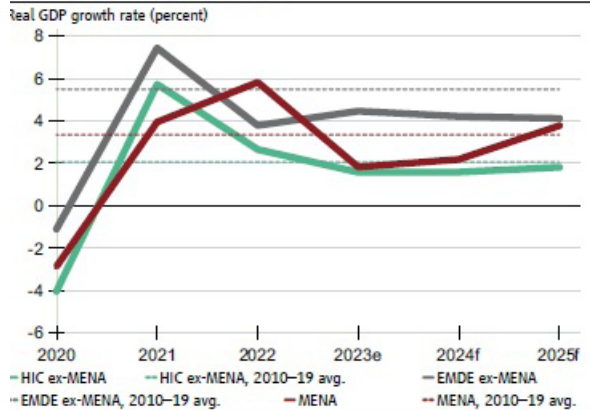
مانند سایر نقاط جهان، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از سال ۲۰۲۰ با مجموعه‌ای از شوک‌های شدید مواجه شده است: همه‌گیری کووید، حمله روسیه به اوکراین، جنگ در غزه و نوار باختری و مناقشه در لبنان. تورم بالا و شرایط مالی سخت‌تر و بلایای طبیعی نیز در این منطقه همچنان ادامه یافته است. نمودار زیر، آثار منفی همه‌گیری کووید بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد بالا، کشورهای در حال توسعه، بازارهای نوظهور (EMDEs)^۱ و منطقه مِنا را از ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ نشان می‌دهد. منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۲۱ نسبت به کشورهای با درآمد بالا و بازارهای نوظهور، به‌ویژه کشورهای صادرکننده نفت در منطقه خاورمیانه، بهبود اقتصادی کمتری را تجربه کرد. هم کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با درآمد بالا (بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی) و هم کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت (الجزایر، ایران و عراق) وضعیت بهتری را نسبت به سایر کشورهای منطقه تا سال ۲۰۲۵ دارند.

۱- بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه (EMDE) شامل طیف گسترده‌ای از کشورها است، از جمله اعضای گروه بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) و همچنین کشورهای دیگر مانند آرژانتین، شیلی، کلمبیا، مصر و مالزی. این کشورها معمولاً رشد اقتصادی سریع و پتانسیل توسعه بیشتری نسبت به اقتصادهای توسعه یافته از خود نشان می‌دهند.

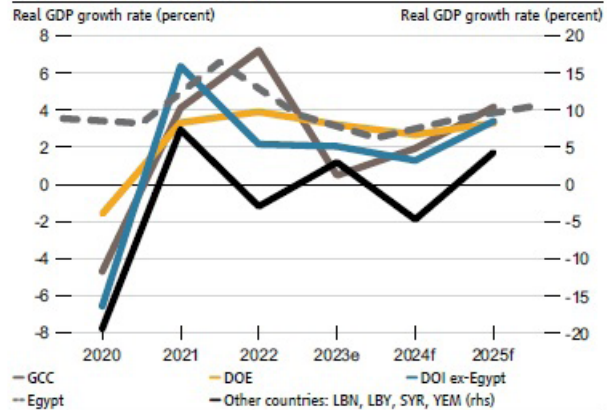
نمودار ۱- آثار همه‌گیری کووید بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد بالا، کشورهای در حال توسعه، بازارهای

نوظهور و منطقه منا، ۲۰۲۰-۲۰۲۵

Panel A. MENA, HICs, and EMDEs



Panel B. MENA country groups



در سال ۲۰۲۲، منطقه منا رشد فوق‌العاده سریعی را تجربه کرد. در پی افزایش قیمت‌های نفت که پس از حمله روسیه به اوکراین رخ داد، رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت منطقه افزایش یافت. این در حالی است که رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت (جیبوتی، مصر، اردن، لبنان، مراکش و کرانه باختری و غزه) کاهش پیدا کرد.

در سال ۲۰۲۳، کاهش‌های مکرر تولید نفت توسط کشورهای اوپک+^۱ (شامل سه دور کاهش در آوریل، ژوئن و نوامبر)، همراه با سطوح نسبتاً پایین قیمت نفت را شاهد بودیم. با وجود تلاش‌های اوپک+ برای تثبیت قیمت‌ها، متوسط قیمت نفت از ۱۰۰ دلار در هر بشکه در ۲۰۲۲ به ۸۳ دلار در هر بشکه در ۲۰۲۳ کاهش یافت، که این امر درآمد صادرکنندگان نفت را پایین آورد. تقاضای جهانی ضعیف‌تر، ناشی از رشد کندتر در چین، فشار نزولی بر قیمت‌های نفت وارد کرده و احتمالاً ادامه خواهد داشت، که ممکن است تأثیر کاهش تولید اوپک+ را بی‌اثر کند. رشد واقعی تولید ناخالص داخلی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از ۷٫۲ درصد در ۲۰۲۲ به ۰٫۵ درصد در ۲۰۲۳ کاهش یافت. رشد در واردکنندگان نفت در حال توسعه، به جز مصر، تقریباً بدون تغییر از ۲٫۲ درصد در ۲۰۲۲ به ۲٫۰ درصد در ۲۰۲۳ باقی ماند، در حالی که رشد در صادرکنندگان نفت در حال توسعه از ۳٫۹ درصد در ۲۰۲۲ به ۳٫۲ درصد در ۲۰۲۳ کاهش یافت. (پنل B نمودار قبل).

از آغاز جنگ غزه در اواسط اکتبر ۲۰۲۳، تنش‌های ژئوپلیتیکی و عدم اطمینان در منطقه منا افزایش یافته و بر چشم‌انداز رشد منطقه تأثیر گذاشته است. منا به رشدی بی‌رمق شبیه به دهه منتهی به همه‌گیری

۱ - اوپک سازمان کشورهای صادرکننده نفت متشکل از الجزایر، گینه استوایی، گابن، جمهوری اسلامی ایران، عراق، کویت، لیبی، نیجریه، جمهوری کنگو، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و ونزوئلا است. اوپک+ تعدادی از تولیدکنندگان دیگر نفت را به فهرست اضافه می‌کند که بزرگترین آن‌ها روسیه است.

کووید و دیگر شوک‌هایی که از سال ۲۰۲۰ آغاز شد، بازگشته است. چشم‌انداز تا پایان سال ۲۰۲۴ همچنان ضعیف است و تفاوت‌های مهمی در داخل منطقه وجود دارد. تا پایان سال ۲۰۲۴، انتظار می‌رود که رشد اقتصادی در منا (به‌جز لیبی، لبنان، سوریه و یمن) به طور مختصر به ۲,۲ درصد در سال ۲۰۲۴ افزایش یابد، (پس از اینکه در سال ۲۰۲۳ به ۱,۸ درصد کاهش یافته بود). با این حال، رشد در منا در سال ۲۰۲۴ یک درصد کمتر از میانگین پیش از همه‌گیری کووید بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ باقی می‌ماند. (نمودار قبل، پنل A).

رشد منطقه منا در سال ۲۰۲۴ عمدتاً ناشی از رشد کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بوده که پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۴ به ۱,۹ درصد نسبت به ۰,۵ درصد در سال ۲۰۲۳ برسد (نمودار قبل، پنل B). با این حال، رشد در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به دلیل ادامه کاهش تولید نفت، کندتر از آنچه قبلاً پیش‌بینی شده بود، است. انتظار می‌رود رشد در صادرکنندگان نفت در حال توسعه از ۳,۲ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۲,۷ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یابد و در واردکنندگان نفت در حال توسعه (به جز کشور مصر) از ۲,۰ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۱,۳ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یابد، پیامدهای درگیری‌های جاری به طور مستقیم بر برخی کشورها تأثیر می‌گذارد و نقاط ضعف پیشین در دیگر کشورها را تشدید می‌کند.

در میان واردکنندگان نفت در کشورهای در حال توسعه، انتظار می‌رود رشد واقعی تولید ناخالص داخلی در همه کشورها به جز تونس کاهش یابد، جایی که پیش‌بینی می‌شود رشد آن از صفر درصد در سال ۲۰۲۳ به ۱,۲ درصد در سال ۲۰۲۴ افزایش یابد. این افزایش نشان‌دهنده بهبود ملایم در بخش کشاورزی تونس است که همچنان از تأثیرات ماندگار شرایط خشکسالی پس از چهار سال بارش کمتر از میانگین رنج می‌برد. از سوی دیگر، مراکش قرار است شاهد کاهش رشد واقعی تولید ناخالص داخلی از ۳,۴ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۲,۹ درصد در سال ۲۰۲۴ باشد که به دلیل کاهش تولید در بخش کشاورزی در پی خشکسالی فزاینده است. همچنین پیش‌بینی می‌شود رشد در مصر نیز از ۳,۸ درصد در سال مالی ۲۰۲۳ به ۲,۵ درصد در اواخر سال مالی ۲۰۲۴ کاهش یابد که ناشی از فعالیت ضعیف صنعتی، محدودیت‌های وارداتی، کاهش در عملیات استخراج گاز و کاهش حمل و نقل از طریق کانال سوئز است. چشم‌انداز لیبی، لبنان، سوریه و یمن که تحت تأثیر درگیری قرار دارند، همچنان بسیار نامشخص است، اگرچه انتظار می‌رود که این کشورها در سال ۲۰۲۴ دچار کاهش اقتصادی بیشتری شوند.

پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۵، منطقه منا به رشد ۳,۸ درصدی دست یابد. انتظار می‌رود رشد در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از ۱,۹ درصد در سال ۲۰۲۴، به ۴,۲ درصد در سال ۲۰۲۵ برسد، که به دلیل حذف تدریجی کاهش داوطلبانه تولید نفت از دسامبر ۲۰۲۴ است. پیش‌بینی می‌شود رشد در صادرکنندگان نفت در حال توسعه از ۲,۷ درصد در سال ۲۰۲۴ به ۳,۳ درصد در سال ۲۰۲۵، افزایش یابد. در

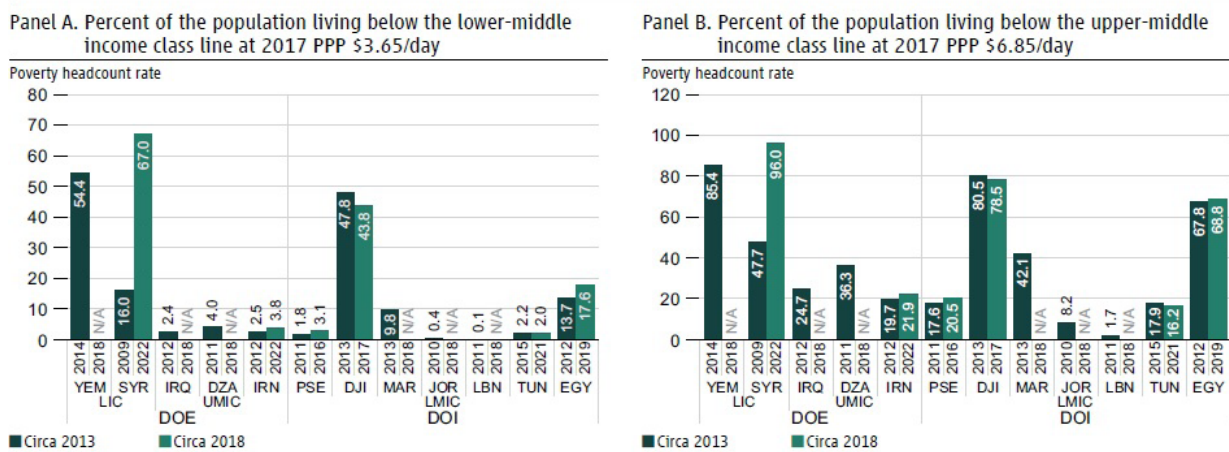
عین حال، انتظار می‌رود رشد در واردکنندگان نفت در حال توسعه (به جز مصر) از ۱,۳ درصد در سال ۲۰۲۴ به ۳,۴ درصد در سال ۲۰۲۵ بهبود یابد، (رشد مصر از ۲,۵ درصد در سال مالی ۲۰۲۴ به ۳,۵ درصد در سال مالی ۲۰۲۵ می‌رسد).

افزایش نگران‌کننده فقر در منطقه منا

رشد اقتصادی باید فراگیر باشد تا استانداردهای زندگی را برای همه، از جمله فقیران و آسیب‌پذیران، بهبود بخشد. این امر نیازمند آن است که فقیرترین اقشار جامعه به حداقل مایحتاج خود دسترسی داشته باشد. از سال ۱۹۹۰، بانک جهانی، فقر را با استفاده از یک خط فقر بین‌المللی که در حال حاضر با ۲,۱۵ دلار به ازای هر نفر در روز با قدرت خرید سال ۲۰۱۷ تعریف شده است، پایش می‌کند. علاوه بر خط فقر بین‌المللی، بانک جهانی از دو خط فقر بالاتر برای اندازه‌گیری و نظارت بر فقر در کشورهای با درآمد بالاتر که شیوع فقر شدید کمتری دارند، استفاده می‌کند: خط ۳,۶۵ دلار در روز برای کشورهای با درآمد متوسط - پایین (نمودار بعد، پنل A) و خط ۶,۸۵ دلار در روز (بر اساس قدرت خرید ۲۰۱۷) برای کشورهای با درآمد متوسط - بالا (نمودار بعد، پنل B). برای تخمین فقر در سطح منطقه‌ای و جهانی، برآوردهای نظرسنجی باید به یک سال مرجع تنظیم و تجمیع شوند. یکی از قوانین مهم برای نمایش تخمین‌های منطقه‌ای برای یک سال مرجع خاص این است که داده‌ها باید ۵۰ درصد از جمعیت منطقه را پوشش دهند. بانک جهانی در حال حاضر نرخ‌های فقر را برای سال مرجع ۲۰۲۲ گزارش می‌کند. آخرین تخمین‌ها برای منطقه منا تنها برای سال ۲۰۱۹ در دسترس است (به دلیل پوشش ناکافی جمعیت در سال‌های اخیر). با وجود چالش‌ها در داده‌ها و ناهماهنگی‌ها در قابلیت مقایسه نظرسنجی‌ها در طول زمان، روندهای اخیر نشان‌دهنده افزایش نگران‌کننده فقر در سراسر منطقه منا حتی قبل از همه‌گیری کووید است. منا تنها منطقه‌ای بوده که فقر در هر دو آستانه درآمد پایین متوسط و بالای متوسط آن افزایش یافته است. فقر در خط ۳,۶۵ دلار (بر اساس قدرت خرید ۲۰۱۷) از ۱۲ درصد به ۱۴,۶ درصد بین سال‌های مرجع ۲۰۱۳ و ۲۰۱۹ افزایش یافت، در حالی که فقر در خط ۶,۸۵ دلار در روز (بر اساس قدرت خرید ۲۰۱۷) از ۴۴,۳ درصد به ۴۵,۴ درصد افزایش یافت. در نمودار زیر تعداد افراد زیر خط فقر (به درصد) نمایش داده شده است:

1 - Note: N/A = not available. YEM = the Republic of Yemen. SYR = the Syrian Arab Republic. IRQ = Iraq. DZA = Algeria. IRN = the Islamic Republic of Iran. PSE = the West Bank and Gaza. DJI = Djibouti. MAR = Morocco. JOR = Jordan. LBN = Lebanon. TUN = Tunisia. EGY = the Arab Republic of Egypt. DOE = developing oil exporters (Algeria, the Islamic Republic of Iran, Iraq, The Syrian Arab Republic). DOI = developing oil importers (Djibouti, the Arab Republic of Egypt, Jordan, Lebanon, Morocco, Tunisia, and the West Bank and Gaza). UMIC = upper middle-income Countries (Algeria, the Islamic Republic of Iran, Iraq). LMIC = lower middle-income countries (Djibouti, the Arab Republic of Egypt, Jordan, Lebanon, Morocco, Tunisia and the West Bank and Gaza). LIC = low-income countries (the Syrian Arab Republic and the Republic of Yemen). Countries are ordered in ascending 2023 GDP per capita (2021 constant PPP) within Income classification and MENA country categorization.

نمودار ۲- درصد افراد زیر خط فقر در سال ۲۰۱۷

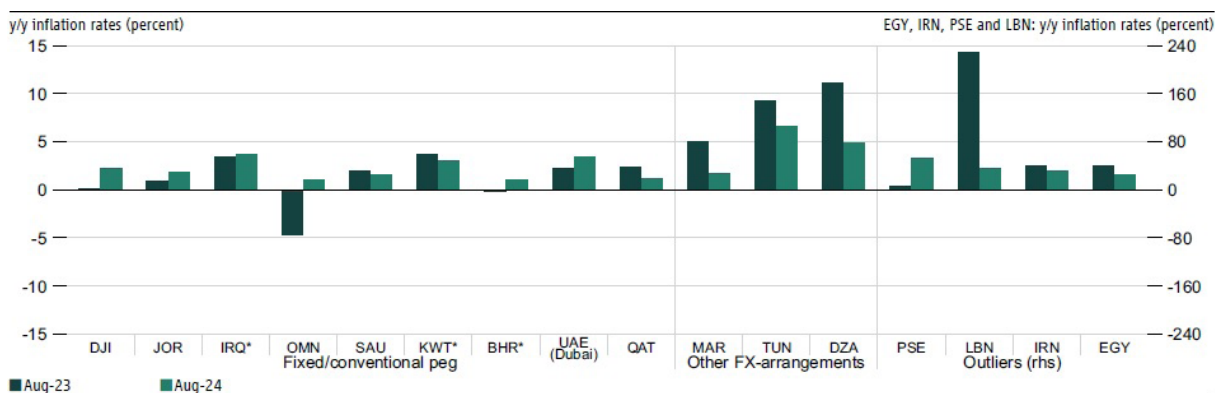


در آندسته از کشورهای منطقه منّا که داده‌های نظرسنجی‌شان در سال ۲۰۱۹ در دسترس بود (جیبوتی، مصر، ایران، سوریه، تونس، کرانه باختری و غزه)، همه به جز تونس و جیبوتی که کاهش‌های کمی در هر دو آستانه فقر داشتند، افزایش در برآوردهای فقر در هر دو آستانه درآمد متوسط - پایین و متوسط - بالا را تجربه کردند (نمودار فوق). در مصر، فقر در خط درآمد متوسط - پایین از ۱۳٫۷ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۱۷٫۶ درصد در سال ۲۰۱۹ افزایش یافت که بخشی از آن ناشی از کاهش ارزش پوند مصر، افزایش تورم و کاهش درآمدهای واقعی بود. در سوریه، جنگ داخلی ۲۰۱۱ منجر به افزایش شدید فقر در آستانه درآمد متوسط - پایین، از ۱۶ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۶۷ درصد در سال ۲۰۲۲ شد. در کرانه باختری و غزه، حتی قبل از درگیری‌های کنونی، فقر در آستانه درآمد متوسط - پایین از ۱٫۸ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۳٫۱ درصد در سال ۲۰۱۶ افزایش یافت، در حالی که در آستانه درآمد متوسط - بالا، از ۱۷٫۶ درصد به ۲۰٫۵ درصد در همین دوره افزایش پیدا کرد. فقر در ایران نیز در هر دو آستانه درآمد افزایش یافت، به طوری که فقر در آستانه درآمد متوسط - بالا از ۱۹٫۷ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۲۱٫۹ درصد در سال ۲۰۲۲ رسید.

تورم در منطقه منّا:

تورم در کشورهای منطقه به طور کلی در حال کاهش است، اما برای برخی از کشورها بصورت فزاینده ای همچنان وجود دارد. در سال ۲۰۲۳، تورم در این منطقه به ۳٫۶ درصد کاهش یافته است (نسبت به ۵ درصد در سال ۲۰۲۲) و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۴ به ۲٫۲ درصد کاهش یابد. با این حال، در این زمینه تفاوت‌های مهمی در داخل منّا وجود دارد. تورم در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس که نرخ ارزهای خود را ثابت نگهداشته اند، به خوبی کنترل شده است، در حالی که تورم در سایر کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت، به ویژه ایران و در برخی کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت به ویژه مصر، لبنان و کرانه باختری و غزه، افزایش پیدا کرده است (شکل زیر)

نمودار ۳- تورم در منطقه منا و بر اساس میزان تبادل ارز خارجی با پول ملی - ۲۰۲۳-۲۰۲۴



Sources: World Bank staff calculations based on Haver Analytics and National Statistics Offices.
 Note: DJI = Djibouti, JOR = Jordan, IRQ = Iraq, OMN = Oman, SAU = Saudi Arabia, KWT = Kuwait, BHR = Bahrain, UAE = the United Arab Emirates, QAT = Qatar, MAR = Morocco, TUN = Tunisia, DZA = Algeria, PSE = The West Bank and Gaza, LBN = Lebanon, IRN = The Islamic Republic of Iran, EGY = The Arab Republic of Egypt. National Statistics Offices Consumer Price Indices (CPI) releases, as of October 2, 2024. The figure shows year-on-year headline inflation in August 2023 and August 2024 for countries with available data. Countries highlighted with an asterisk have the latest datapoint as of July 2024 and are compared to July 2023. Within each currency system category, countries are ordered in ascending 2023 GDP per capita (2021 constant PPP). The Arab Republic of Egypt, the Islamic Republic of Iran, Lebanon, and the West Bank and Gaza are presented on the secondary Y-axis. Dubai is used as a proxy for the United Arab Emirates because of a lack of monthly CPI data for the entire United Arab Emirates in recent months.

پیش‌بینی می‌شود در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نرخ تورم در انتهای سال ۲۰۲۴ به ۱,۷ درصد کاهش یابد. در حالی که در سال ۲۰۲۳ این نرخ ۲,۰ درصد و در سال ۲۰۲۲ برابر با ۳,۸ درصد بود (نمودار بعد). در سال ۲۰۲۳، فشارهای تورمی در شورای همکاری خلیج فارس به طور مؤثری از طریق سیاست‌های پولی پیشگیرانه مطابق با انقباض پولی فدرال رزرو ایالات متحده مدیریت شد. در سال ۲۰۲۴، تورم در کویت به ۳,۱ درصد کاهش یافت که ناشی از تعدیل سیاست پولی بود. در قطر، تورم نیز کاهش یافته و از حمایت یارانه‌های دولتی و کاهش قیمت کالاها برخوردار بوده است. برعکس، در امارات متحده عربی، تورم در سال ۲۰۲۴ به ۲,۲ درصد افزایش یافته که ناشی از افزایش هزینه‌های مسکن و خدمات عمومی است. در سپتامبر ۲۰۲۴، پس از تصمیم فدرال رزرو ایالات متحده برای کاهش نرخ بهره پایه خود، تورم در تمامی کشورهای صادرکننده نفت در حال توسعه کاهش یافت، اما در ایران همچنان بالا باقی ماند، جایی که در سال مالی ۲۰۲۴ به ۳۱,۹ درصد رسید.

برای کشورهای در حال توسعه وارد کننده نفت نیز، تورم از متوسط ۶ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۵ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یافته است، مانند کشور مصر که تورم در حال کاهش دارد. تا اوت ۲۰۲۴، تورم در مصر ۲۵,۶ درصد بود. در حالی که متوسط آن در سال مالی ۲۰۲۴ برابر با ۳۳,۶ درصد و در سال مالی ۲۰۲۳ برابر با ۲۴,۱ درصد بود. این کاهش در تورم پس از تصمیم بانک مرکزی مصر در مارس ۲۰۲۴ برای اجازه کاهش ارزش پول ملی در برابر دلار، یکسان‌سازی نرخ ارز و افزایش نرخ‌های کلیدی به میزان ۶۰۰ واحد پایه به منظور تثبیت انتظارات تورمی صورت گرفت. در تونس، تورم از ۹,۳ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۷,۰ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یافت. با این حال، تورم قیمت مواد غذایی در تونس همچنان بالا است که بخشی از آن به دلیل کاهش تولید کشاورزی ناشی از خشکسالی و کاهش واردات است. در مراکش، تورم از

۶,۱ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۱,۵ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یافت. در کرانه باختری و غزه، تورم در اوت ۲۰۲۴ به ۵۳,۲ درصد (از ۴,۹ درصد در اوت ۲۰۲۳) افزایش یافته است. در غزه، شوک اقتصادی عمدتاً یک اختلال در عرضه است که ناشی از محدودیت‌های شدید در حرکت کالاها و دسترسی به نوار غزه است. این عدم تعادل بین عرضه و تقاضا منجر به افزایش شدید تورم شد که در اوت ۲۰۲۴ نزدیک به ۲۵۰ درصد رسید. برعکس، در کرانه باختری، شوک عمدتاً ناشی از تقاضا است. مکانیزم اصلی انتقال، از دست دادن قابل توجه درآمد در هر دو بخش عمومی (به دلیل بحران مالی) و بخش خصوصی (به دلیل افزایش محدودیت‌ها در تحرک و دسترسی به بازار کار اسرائیل برای کارگران فلسطینی) بوده است؛ در نتیجه، تورم در کرانه باختری تا اواسط سال ۲۰۲۴ نسبتاً پایدار باقی ماند. تورم لبنان، اگرچه هنوز بالا است، ولی در اوت ۲۰۲۴ به ۳۵ درصد (از ۲۲۹,۸ درصد در اوت ۲۰۲۳) کاهش یافت. تورم در آوریل ۲۰۲۳ به اوج خود رسید که پس از تصمیم بانک مرکزی برای کاهش ارزش رسمی نرخ ارز برای اولین بار از سال ۱۹۹۷، که آن را به ۱۵,۰۰۰ لیره لبنان به ازای هر دلار آمریکا تعیین کرد، اتفاق افتاد.

نمودار ۴- روند تورم و پیش بینی آن در منطقه منّا از سال ۲۰۲۲-۲۰۲۵

	Inflation percent			
	2022	2023e	2024f	2025f
MENA	5.0	3.6	2.2	2.7
Gulf Cooperation Council	3.8	2.0	1.7	2.0
Qatar	5.0	3.1	1.3	1.9
United Arab Emirates	4.8	1.6	2.2	2.1
Bahrain	3.6	0.1	1.3	1.5
Kuwait	4.0	3.6	3.1	2.7
Saudi Arabia	2.5	2.3	2.1	2.3
Oman	2.5	0.9	1.0	1.4
Developing Oil Exporters	9.3	9.3	4.0	4.9
Islamic Republic of Iran	46.5	52.3	31.9	30.0
Algeria	9.3	9.3	4.0	4.9
Iraq	5.0	4.4	3.7	3.3
Developing Oil Importers	5.9	6.0	5.0	2.6
Arab Republic of Egypt	8.5	24.1	33.6	17.2
Tunisia	8.3	9.3	7.0	6.0
Jordan	4.2	2.1	2.0	2.2
Morocco	6.6	6.1	1.5	2.7
Djibouti	5.1	1.4	3.0	1.8
West Bank and Gaza	3.7	5.9	35.8	2.5
Other Countries				
Libya	4.6	2.3	2.5	2.4
Lebanon	171.2	221.3	45.7	NP
Syrian Arab Republic	63.7	92.5	37.7	11.3
Republic of Yemen	29.5	0.9	16.3	20.7

Source: World Bank, *Macro Poverty Outlook*, October 2024.

Note: e = estimate, f = forecast, NP = not presented. Regional and subregional figures are based on the median of the countries in each group. Data are rounded to a single decimal place. Data for the Arab Republic of Egypt are for fiscal years (beginning on July 1 and ending June 30). In the table, countries within each group are ranked in descending order by 2023 GDP per capita (constant 2021 PPPs). Numbers are updated as of October 2, 2024.

جمع‌بندی

تأثیرات جنگ غزه

بیش از یکسال از درگیری در خاورمیانه می‌گذرد و یک بحران انسانی تاریخی در غزه در حال شکل‌گیری است. برآورد می‌شود که تا اکتبر ۲۰۲۴، بیش از ۴۰ هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند و ۳۰ هزار نفر به شدت زخمی شده‌اند. تقریباً دو میلیون نفر بی‌خانمان شده؛ و حدود ۶۲۵ هزار کودک در سن تحصیل یک سال از تحصیل خود را از دست داده‌اند. سوءتغذیه به شدت رایج است. ۱۵ درصد از جمعیت شرایطی مشابه قحطی را تجربه می‌کنند؛ نظام بهداشت به دلیل آسیب به زیرساخت‌ها و اختلال در ارائه خدمات تقریباً نابود شده است. تمام این شوک‌ها پیامدهای طولانی‌مدتی به همراه خواهند داشت.

سرزمین‌های فلسطینی به سمت فروپاشی اقتصادی نزدیک می‌شوند و بزرگ‌ترین انقباض اقتصادی ثبت‌شده را تجربه می‌کنند. بر اساس داده‌های رسمی، کاهش ۳۴ درصدی در تولید ناخالص داخلی واقعی در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۴ در منطقه فلسطینی بوجود آمده است. اقتصاد غزه در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۴ به میزان ۸۶ درصد کوچک شده و درگیری‌ها، غزه را به آستانه فروپاشی رسانده است. توقف تقریباً کامل فعالیت‌های اقتصادی موجب شده است که سهم غزه در کل اقتصاد فلسطین از ۱۷ درصد - به‌طور متوسط در سال‌های گذشته - به کمتر از ۵ درصد کاهش یابد. در همین حال، اقتصاد کرانه باختری در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۴ به میزان ۲۳ درصد افت کرده، صورتی که در آن، بخش‌های تجارت، خدمات، ساخت‌وساز و تولید بیشترین کاهش را تجربه کردند. پیش‌بینی می‌شود که شکاف مالی تشکیلات خودگردان فلسطین در سال ۲۰۲۴ به ۱,۸۶ میلیارد دلار برسد، که بیش از دو برابر کسری سال ۲۰۲۳ است و ممکن است خطرات بالایی از نظر فروپاشی سیستماتیک، به‌ویژه در ارائه خدمات عمومی، به همراه داشته باشد. کاهش درآمدها به دلیل انقباض اقتصادی، همراه با سطوح پایین کمک‌ها - و به‌طور عمده - کسری‌های ماهانه افزایش یافته و اعمال محدودیت‌های انتقال درآمد توسط اسرائیل از اکتبر ۲۰۲۳، منجر به کاهش بیشتر پرداخت‌های حقوق به کارمندان دولتی به میانگین ۶۰ درصد شده است. شکاف مالی همچنان عمدتاً با قرض از بانک‌های داخلی و بدهی به بخش خصوصی، کارمندان دولتی و صندوق بازنشستگی پر می‌شود. البته همزمان، افزایش پیش‌بینی‌شده در کمک‌های اهداکنندگان نیز وجود دارد.

نظام آموزشی در غزه فروپاشیده است و نظام بهداشت به‌طور قابل توجهی به دلیل درگیری، تحت تأثیر قرار گرفته است. حدود ۶۲۵,۰۰۰ کودک در سن مدرسه در غزه از اکتبر ۲۰۲۳ از تحصیل بازمانده‌اند که به عواقب منفی طولانی‌مدت درگیری می‌افزاید. برآوردهای اولیه نشان می‌دهد که تقریباً ۹۵ درصد از تأسیسات آموزش پایه و عالی در جریان درگیری آسیب دیده یا ویران شده‌اند. این درگیری همچنین خدمات آموزشی در کرانه باختری را به شدت مختل کرده است، به طوری که مدارس دولتی به دلیل

محدودیت‌های مالی و نگرانی‌های امنیتی، تدریس حضوری را کاهش داده‌اند. تأثیر این درگیری بر بخش بهداشت هم به صورت مستقیم، از طریق آسیب به زیرساخت‌های بهداشتی، و هم به صورت غیرمستقیم، از طریق خسارت‌های ناشی از وقفه در ارائه خدمات، حس می‌شود. تخریب زیرساخت‌های تأمین آب و پنل‌های خورشیدی به همراه کمبود برق، سوخت برای ژنراتورهای پشتیبان و ورودی‌های ضروری باعث شده است که ۸۰ درصد از مراکز بهداشتی اولیه دیگر کارایی نداشته باشند. تنها ۱۷ بیمارستان از ۳۶ بیمارستانی که ظرفیت بستری دارند، به صورت جزئی فعال هستند که این معادل ۵۳ درصد از کل ظرفیت بستری، ICU و تخت زایمان پیش از بحران است. در حالی که همه فلسطینیان ساکن در غزه در فقر به سر می‌برند، خانوارهای کرانه باختری نیز با پیامدهای رفاهی منفی ناشی از درگیری روبه‌رو هستند. فقر چند بعدی در غزه به ویژه، وضعیت سختی را توصیف می‌کند که بر رفاه و سلامت روان افراد تأثیر می‌گذارد و انتظار می‌رود اثرات آن فراتر از زمان کوتاه ادامه یابد. پیش بینی می‌شود، افت شدید اقتصادی در کرانه باختری، نرخ فقر کوتاه‌مدت را که تا نیمه ۲۰۲۴ محاسبه شده از حدود ۱۲ درصد در سال ۲۰۲۳ (قبل از درگیری) به ۲۸ درصد (بیش از دو برابر) برساند.

تنش‌های منطقه‌ی منا و اقتصاد جهانی

بیش از یکسال پس از آغاز جنگ غزه، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با عدم قطعیت فزاینده‌ای مواجه است. در کشورهای به‌طور مستقیم تحت تأثیر خشونت مانند لبنان، این درگیری هزینه‌های انسانی و اقتصادی قابل توجهی را تحمیل کرده است. در سایر اقتصادهای همسایه، این جنگ فعالیت اقتصادی را از طریق کاهش ورود گردشگران و کاهش درآمدهای کانال سوئز برای مصر مختل کرده است. حملات به کشتی‌ها در دریای سرخ، باعث افزایش زمان حمل و نقل و بالا رفتن هزینه‌ها شده که خطرات بیشتری را برای اقتصادهای منطقه و جهان به همراه دارد. به‌طور کلی، تشدید تنش‌های ژئوپولیتیکی می‌تواند بازارهای نفت و سرمایه را بی‌ثبات و سرمایه‌گذاری خارجی را دلسرد کند. پیامدها برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به مدت، شدت و گستره جغرافیایی این درگیری‌ها بستگی دارد. حتی قبل از تشدید اخیر درگیری‌ها در سپتامبر ۲۰۲۴، اقتصاد آسیب‌دیده لبنان از بی‌ثباتی فزاینده منطقه خسارت دیده بود. علاوه بر از دست رفتن جان انسانها و خسارت‌ها و تخریب زیرساخت‌ها، کانال اصلی تأثیر، کاهش شدید درآمدهای گردشگری بود که سنگ بنای رشد اقتصادی این کشور را تضعیف کرد. جابجایی افراد از جنوب لبنان منجر به توقف فعالیت‌های اقتصادی محلی شده و به مصرف‌کننده آسیب زده است. مناطق کشاورزی در جنوب به شدت آسیب دیده‌اند و سوختگی و آلودگی گسترده‌ای را تجربه کرده‌اند.

درگیری‌ها در لبنان به‌طور قابل توجهی تشدید شد و گزارش‌هایی از افزایش تعداد تلفات، جابجایی‌های گسترده و تخریب بیشتر زیرساخت‌ها به گوش می‌رسد. در حالی که تأثیر کامل این اتفاقها بر اقتصاد

لبنان به دلیل ماهیت سریع و غیرقابل پیش‌بینی رویدادهای جاری هنوز نامشخص است، انتظار می‌رود تشدید درگیری‌های جاری به کاهش بیشتر پیش‌بینی‌های اقتصادی منجر شود. مصر، به عنوان یک بازیگر کلیدی منطقه‌ای، به‌ویژه در برابر چالش‌های تراز پرداخت‌ها آسیب‌پذیر است که با اختلالات مکرر در ترافیک دریایی کانال سوئز، تشدید شده است. با این حال، بخش گردشگری فعلاً مقاوم بوده و بصورت نسبی فعال است. کانال سوئز، منبع حیاتی درآمد برای مصر بوده و به دلیل افزایش خطرات امنیتی در دریای سرخ با کاهش قابل توجهی در درآمدها مواجه شده است. درآمدهای کانال سوئز در مقایسه با نیمه دوم سال ۲۰۲۳، ۶۲ درصد کاهش یافته است. برای سال مالی ۲۵/۲۰۲۴، انتظار می‌رود درآمدها به نزدیک نیمی از سطح قبل از درگیری برسد و از ۸٫۸ میلیارد دلار در سال مالی ۲۳/۲۰۲۲ به ۴٫۸ میلیارد دلار کاهش یابد. از سوی دیگر، درآمدهای گردشگری به رغم چالش‌های فزاینده امنیتی منطقه، به طور جزئی افزایش یافته است. در عین حال، عدم قطعیت درگیری بر سرمایه‌گذاری‌ها سایه افکنده و نگرانی سرمایه‌گذاران را در سرتاسر منطقه افزایش داده است. این درگیری منجر به کاهش ۶٫۶ درصد تعداد گردشگران اردن از اکتبر ۲۰۲۳ تا اوت ۲۰۲۴ شده است. بین اکتبر ۲۰۲۳ و اوت ۲۰۲۴، کاهش گردشگران عمدتاً ناشی از افت بازدیدکنندگان اروپایی بود که تا حدی با افزایش ورود از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و سایر مناطق عربی جبران شد. تأثیر درگیری بر سایر کشورهای غیر همسایه، عمدتاً به دلیل روابط تجاری محدود با مناطق بیشتر تحت تأثیر درگیری، تا کنون محدود بوده است.

در سطح جهانی، تأثیر درگیری بر روندهای انرژی و بخش مالی تا کنون در دینامیک‌های بازار گسترده‌تر گنجانده شده است. قیمت‌های نقدی نفت خام، اوایل سال نوسان داشت، اما به دلیل عرضه قوی و نگرانی‌ها در مورد تقاضای ضعیف، قراردادهای آتی آن از اکتبر ۲۰۲۳ به شدت کاهش یافته است. به طور همزمان، قراردادهای آتی گاز کوتاه‌مدت در اتحادیه اروپا در ابتدای درگیری به طور موقت افزایش یافت، اما به سرعت به سطوح قبل از درگیری بازگشت و اکنون در سطوح پایین‌تری معامله می‌شود. بازارهای مالی نیز از تنش‌های اولیه ناشی از تشدید منازعات ژئوپولیتیکی بهبود یافته‌اند. بازارها یا سطوح قابل مقایسه با قبل از درگیری را حفظ کرده‌اند یا به طور قابل توجهی افزایش یافته‌اند. برای کشورهای واردکننده نفت مانند اردن و به ویژه مراکش و تونس، بازارهای سرمایه از زمان آغاز درگیری مقاوم مانده‌اند و عملکرد قوی را بدون شکست‌های عمده حفظ کرده‌اند. اختلال در حمل و نقل دریایی، به ویژه از طریق کانال سوئز، زمان حمل و نقل را طولانی کرده و قیمت‌های نقدی حمل و نقل را هم در سطح منطقه‌ای و هم جهانی افزایش داده است. قبل از بی‌ثباتی امنیتی منطقه‌ای در پایان ۲۰۲۳، کانال سوئز حدود یک هشتم تجارت دریایی جهانی و نزدیک به ۳۰ درصد از ترافیک کانتینری جهان را در اختیار داشت. این موضوع در افزایش شاخص کانتینر جهانی و به ویژه در افزایش هزینه حمل و نقل از شانگهای به جنوا، با نرخ‌هایی چهار تا پنج برابر بالاتر از پایان ۲۰۲۳ منعکس شده است. با این حال، با تقاضای جهانی

کم، افزایش اندازه ناوگان و چسبندگی قیمت‌های قراردادی، افزایش هزینه‌های حمل و نقل تا کنون به مصرف‌کنندگان منتقل نشده است.